



انتخابات و اپوزیسیون پرو حاکمیت در کردستان

سهند حسینی

انتخابات در کردستان هم قرار است بر متن یک اعتراض و انفجار عمومی انجام شود. آنچه در این بخش از ایران متفاوت است مردم به طول حاکمیت جمهوری اسلامی یک نه بزرگ را به همه تلاشهای حاکمیت گفته اند.

صفحه ۳



بازار کساد انتخابات و رونق تعرض به جمهوری اسلامی

وریا نقشبندی

در این روزهای انتخابات، مردم در سراسر ایران تنها چیزی که مسئله شان نیست انتخابات است. مردم عملاً انتخابات جمهوری اسلامی را یک جوک میدانند. تبلیغات دستگاههای حکومتی در این دوره از انتخابات را به عنوان تحقیر به خود و زندگی شان می دانند و عملاً انزجار و تنفر خود را از هر جناح و نامزد صلاحیت شده و غیر صلاحیت شده را در خیابانها با صدای بلند فریاد میزنند. تریبونهای "آزاد" انتخابات به صحنه محاکمه جمهوری اسلامی و سران آن، به صحنه دادخواهی مردم علیه حاکمیت تبدیل شده اند. زن و مرد آزادخواه از هر فرصتی برای رساندن صدای اعتراض خود علیه نمایش انتخابات و کل حاکمیت استفاده میکنند و جمهوری اسلامی عاجز از ممانعت از آن است.

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

"انتخابات بی انتخابات"

صفحه ۴



انتخابات و انتخاب ما در کردستان

محمد فتاحی

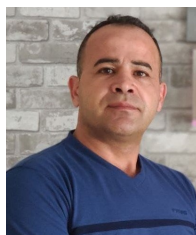
الویت رژیم نه کسب رای و مشروعیت، که عبور بی خطر از انتخابات است!

نگرانی مشترک جمهوری اسلامی، اصلاح طلبان و اپوزیسیون راست از "خطر" مردم!

تاکتیک مردم نمی تواند همان خانه نشینی جناح اصلاح طلب رژیم باشد!

کردستان می تواند نقش ویژه ای داشته باشد!

صفحه ۵



کردستان امتحان خود را پس داده است

آسو سهامی

سیرک انتخابات رژیم و کساد بازار نامزدهای انتخاباتی در این دوره تفاوت بسیار زیادی با دوره های قبل دارد، نه از لحاظ چهره نامزدها و نه از لحاظ تنگنایی که رژیم در آن قرار گرفته است، بلکه از این لحاظ که اکثریت جامعه ایران تصمیم خود را مبنی بر عدم شرکتشان را در این مضحکه گرفته اند و در سطح علنی و بدون هیچ ترس و واهمه ای آنرا اعلام می کنند.

صفحه ۷

مشکل مردم کردستان دولت نیست، بلکه کل حاکمیت است

اجماع روسای ستادهای انتخاباتی ریاست جمهوری و انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در کردستان، نشان از آخرین تقلائی نوکران و مواعب بگیران حکومتی برای کشاندن مردم به پای صندوق های رای گیری دارد. بی رونقی و انزجار از مضحکه انتخاباتی این دوره تنها مخصوص

کردستان نیست و بعد سراسری به خود گرفته است. جمهوری اسلامی هیچ دوره ای به اندازه این دوره در دوگانگی بحران انتخابات و مشروعیت قرار نگرفته است. از یک سو هراس حکومتی ها از سنگربندی و تعرض مردم جان به لب رسیده از چهل سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بر جان و زندگی خود در این دوره از انتخابات و از سوی دیگر نگرانی از عدم استقبال مردمی از به اصلاح "انتخابات"، آنچنان فضا را بر جمهوری اسلامی تنگ کرده است که به خانه ماندن مردم بیشتر رضایت میدهند تا شکستن صندوق های رای بر سر سران ریز و درشت حکومتی.

برجستگی این دو قطبی در کردستان مربوط به این دوره یا دوره های گذشته دولت پشت دولت نیست، بلکه تاریخ یک جدال عمیق و عملی با کل حاکمیت را پشت سر خود دارد. اجماع سران احزاب وابسته به جمهوری اسلامی و مهره های حکومتی در کردستان برای عبور حاکمیت از بحران امروز، گواهی است بر زانو در آمدن و استیصال از کنترل اوضاع موجود. در هفته گذشته شاهد یک نشست از سوی شاهین فکور رئیس ستاد انتخاباتی شورای وحدت در کردستان، جلال اصغری عضو شورای مرکزی ائتلاف نیروهای انقلابی کردستان، حجت الاسلام سیدمحمد سادات رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی کردستان، حجت الاسلام جواد دهقانی رئیس شورای وحدت اصولگرایان کردستان که این افراد جزء ستاد مرکزی انتخاباتی رئیسی در کردستان هستند و همچنین سید خالد حسینی دبیر حزب ایران زمین و رئیس ستاد انتخاباتی محسن رضایی در کردستان به منظور رسیدن به یک اجماع کلی در تشویق مردم برای حضور در انتخابات این دوره بودیم.

این جلسه حاوی یک پیام اصلی در خود بود و آن ائتلاف تمام این احزاب و نمایندگان جناح مختلف حکومتی برای عبور دادن جمهوری اسلامی از بحران انتخاباتی این دوره در کردستان. میگویند: "سر منشا، فساد در دولت است و یا دولت بعدی به فساد خاتمه خواهند داد". اما جواب ما مردم کردستان به این ادعا این است که فساد در این یا آن دولت نیست، بلکه مسئله بر سر خود وجود جمهوری اسلامی میباشد. ما هیچ وقت جمهوری اسلامی را به عنوان آلترناتیو خود در انقلاب ۵۷ به رسمیت نشناختیم. مبارزه ما با کلیت جمهوری اسلامی از بازرگان ها و بنی صدرها گرفته تا تک تک عمامه به سرهای حکومتی بود. اینکه این دوره نیز از هر سو و از هر نقطه ایران مورد هجوم افشار مختلف مردمی قرار گرفته اید، ناشی از بی لیاقتی این دولت و دولتهای قبلی نیست بلکه نتیجه بیش از چهل سال مبارزه پرفراز و نشیب زنان، کارگران و جوانان جامعه ای است که از فقر، خفقان، ستم و انواع تبعیض در زندگی خود توسط یک حاکمیت فاشیستی به تنگ آمده اند. جواب ما به شما، مهره های دست چنم نظام، همان جوابی است که به رئیسی و همتی و خامنه ای و ... میدهیم: ما سالها است از این حاکمیت با همه جناح و نوکر و مهره محلی و غیر محلی اش عبور کرده ایم. ما انتخاب خود را کرده ایم سرنگونی شما و حکومت شورایی حرف اول و آخر ما است.

میگویند: "اگر می خواهیم از مشکلات نجات پیدا کنیم تنها راه، مشارکت حداکثری، انتخاب آگاهانه و حرکت به سمت انتخاب رئیس جمهوری با پشتوانه آرای قاطع ملت برای تشکیل دولت مقتدر در دفاع از حقوق بین المللی ایران است". ما میگوییم که نجات از مشکلات تنها از راه سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن خواهد بود. سرمنشا مشکلات را باید از ریشه خشک کرد و ما با مشارکت حداکثری در تعرض به کل بساط حاکمیت تلاش خواهیم کرد این ریشه را از بن قطع کنیم. جواب ما مردم منزجر از این دولت و آن دولت یک انتخاب آگاهانه را پیش روی ما گذاشته است و آن انتخاب پشت پا زدن به صندوق های رای گیری و خراب کردن آن بر سر شماست.

میگویند: "اگر قرار است اتفاق و تغییری در کشور رخ دهد باید پای صندوق های رای و با انتخاب درست مردم این امر تحقق یابد. رویکرد انتخابات به گونه ای است که دموکراسی در آن جریان دارد و مردم می توانند از ادانه فرد مورد نظر خود را انتخاب کنند". ما مردم کردستان میگوییم با آزاد نام نهادن این انتخابات به شعور ما توهین نکنید. ما مزه تلخ آزادی شما را با لشکر کشی به کردستان و کشتار و اعدام عزیزان خود چشیده ایم. ما به شما و نماینده تان " قصاب آزادیخواهان" اعلام میکنیم اگر قرار است اتفاقی رخ دهد سرورته کردن صندوق های رای و جمع کردن بساط تحمیق و تحقیر ماست. ما میگوییم انتخابات ما زمانی راه دموکراسی را در پیش خواهد گرفت که با اراده جمعی و حکومت شورای به سرانجام برسد.

آخوندهای کرد و آیت الله رئیسی

قبلا بارها اعلام کرده بودیم که منبر نشینان کرد بی چون و چرا سرشان در آخور جمهوری اسلامی است. پیوند امروز ملا و آخوند کرد در حمایت از رئیسی که قاتل هزاران جوانان عاصی از فقر و فلاکت و بدبختی در بعد سراسری است، یک پیام بیشتر ندارد و آن اتحاد پایه ای این مرتجعین برای نجات جمهوری اسلامی و حاکمیت کثیف اسلامی با قربانی کردن دو چندان هزار انسان این جامعه. مرتجعین و مزدوران محلی کردستان در چنین اوضاعی که جمهوری اسلامی تا خرخره در باتلاق خشم و عصیان مردمی دارد غرق میشود، مجری سیاست بد و بدتر کاندیداهای ریاست جمهوری اسلامی را دوباره در پیش گرفتند که مردم را پای صندوق های رای بکشانند. مستقل از اینکه چه کسی رئیس جمهور بعدی خواهد شد نه به گاز گرفتن نامزدهای منتخب از همدیگر بستگی دارد و نه نتیجه صندوق های رای است. واقعیت این است اینکه چه کسی به عنوان رئیس جمهور از صندوق بیرون می آید بستگی به مطلوبیت وی در این دوره برای حاکمیت دارد، به همین خاطر است که "شورای هم اندیشی اهل سنت" از "علمای اهل تسنن کردستان" گرفته تا مولوی عبدالحمید، امام جماعت اهل سنت زاهدان، همزمان از مشارکت خود در انتخابات ریاست جمهوری به نفع رئیسی حمایت قاطع خود را اعلام کردند. ادامه حیات اینها به ادامه حیات

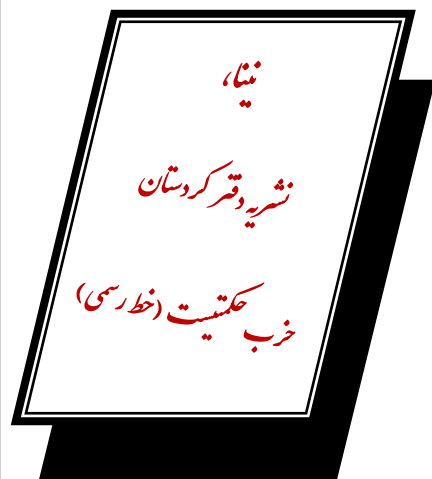
جمهوری اسلامی گره خورده دلیل به دست و پا افتادن شان همین است.

در این اجماع و در این اوضاع نابسامان جمهوری اسلامی مهم نیست که اختلاف جناحی داشته باشی، حتی مهم نیست که با کدام جریان و نامزد انتخاباتی خود را همراه بدانی. آنچه مهم است مشروعیت بخشیدن به ساختاری است که روی گرده کارگر و زن و بازنشسته و معلم و اقشار دیگر جامعه بتواند چند صباحی به عمر ننگین خود ادامه دهد. در این اجماع خودی و غیر خودی زیاد محلی از اعراب ندارد، تنها چیزی که مهم است جمع حواریون ست برای تثبیت هر چه بیشتر نظام برای چپاول و به فلاکت کشاندن یک جامعه هشتاد میلیونی. بیهوده نیست حداد عادل میگوید "شرکت وسیع مردم در انتخابات پیروزی همه ما است حتی اگر کاندید من رای نیاورد!"

کردستان انتخاب خود را کرده است

سنگر های کردستان امروز برای بار دیگر با تمام ایران پیوند خورده است. صدای آزادی خواهی و مبارزه برای بیرون رفتن از جهنمی که جمهوری اسلامی برای این جامعه ساخته است همه جغرافیای ایران را درنوردیده است. دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ عقربه های مرگ این نظام را به شمارش معکوس انداخته است. کردستان امروز بیشتر از هر زمان دیگری دشمنان قسم خورده ی خود را از هر زبان و ملیت و آیینی که باشد شناخته است. نه به جمهوری اسلامی چهار دهه است که در لایه های این جامعه نهادینه شده اما چیزی که این دوره متفاوت کرده، پا گرفتن جنبشی به وسعت ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است که میتواند سنگر های مقاومت و تعرض به جمهوری اسلامی در کردستان را بار دیگر به جلو صحنه جامعه هل بدهد.

۱۴ ژوئن ۲۰۲۱



انتخابات و اپوزیسیون پرو حاکمیت

در کردستان

سه‌ن‌د حسینی

انتخابات‌های نظام همیشه از طرف بخش بسیار وسیعی از مردم در کردستان بایکوت شده است و رژیم در این منطقه هیچوقت نتوانسته است از طریق جلب رای مردم به بحران حاکمیت و ناسازگاریش با جامعه کردستان فائق آید. در دوره حاضر اوضاع جمهوری اسلامی به مراتب بحرانی تر است. بحران حاکمیت در کردستان در بحران بقا جمهوری اسلامی ضرب شده و خود انتخابات در این دوره به پدیده ای بحران زا برای حاکمیت تبدیل شده است. تلاش جمهوری اسلامی برای عبور آرام و بی دردسر از این معضل را می توان در کل حاکمیت به وضوح دید. برای عبور آرام از این وضعیت به طور واقعی نظام از خیر مشارکت مردم در انتخابات گذشته است. از حالا کرونا را بهانه ای برای کم کردن حوزه های انتخاباتی و عدم شرکت مردم کرده اند. تلاش جمهوری اسلامی و مهندسی انتخابات در جهت انسجام درونی بالا در حاکمیت در تقابل با پایین جامعه برای تغییر تناسب قوا به نفع خود است. تلاشی که با وجود حجم عظیم اعتراضات هر روزه و نفرت عمومی از نظام، غیر ممکن به نظر می رسد.

با توجه به این فاکتورها با اینکه حاکمیت به مشارکت خیلی حداقلی مردم هم رضایت کامل داده اما جنبه طنز ماجرا جایی است که از طرف تعدادی سینه چاک نظام اسلامی، تلاشی شرم آور و مشمئز کننده برای کشاندن مردم به سوی صندوقهای رای را می شود دید. فرخ نگهدار و بخش اصلی حزب "چپ"، از کثیفترین و منفورترین موجودات صحنه سیاست در ایران، بیشتر از خود جمهوری اسلامی نگران عمق بحران حاکمیت اند. کمپین مشترک نگهدار و تاجزاده "وحشت از رئیسی و دفاع از جمهوریت نظام" تلاشی است که این طیف برای جلب رضایت مردم به شرکت در انتخابات به راه انداختند. در دوره ای که حتی طیفی از بالایی ها، از احزاب "اصلاح طلب" و "معتدل" حکومتی اعلام کرده اند که در انتخابات شرکت نمیکنند، این ویروس های درون اپوزیسیون با پرچم "دفاع از جمهوریت" یکبار دیگر به نجات رژیم آمده اند. نیرویی که روزی به نام "دفاع از انقلاب" با خواست "مسلح کردن سپاه پاسداران به سلاح های سنگین برای سرکوب ضد انقلاب در کردستان"، به جنگ مردم کردستان برای دستیابی به آزادی و برابری بودند، امروز "متمدن" شده و دفاع از حکومت کشتار و شکنجه و اعدام را "دفاع از جمهوریت نظام" میگذارند. تلاشی که جز یک نفرت عمیق بر علیه این مداحان نظام، بی آبرویی و منزوی شدن بیشترشان در میان مردم آزادیخواه کردستان میشود.

در کردستان ایران چنین تلاشی از طرف جنبش "جمهوری خواهان" کردستان کلید خورده است. این جریان ظاهرا یکی از شاخه های پ

ک ک است. کافی است به بیانیه آنان و آسمان ریسمانها و نمونه هایی که از مشارکت مردم در کردستان ترکیه در انتخابات شهرداریها آورده اند نگاهی کرد تا شک خواننده بر طرف شود. توضیح با آب و تاب مشارکت مردم در کردستان ترکیه که چگونه از انکار و ناپودی زبان "کردی" جلوگیری کرده اند تا ادعاهای پوچی چون تاثیرهای کلان دیگر این شرکت در انتخابات در تغییر سیاست دولت حاکم در ترکیه، همه نشان از تلاش این جریان برای کشیدن مردم کردستان ایران به پای صندوقهای رای است. این جریان بر همین مینا به احزاب اپوزیسیون در کردستان ایران فراخوان می دهد که "به دور از ایدئلیزم سیاسی و در چارچوب رئالیزم سیاسی و با تجارب حاصله از کردهای ترکیه، مردم را برای مشارکت در انتخابات تشویق کنند". خودشان در همانحال مردم در کردستان ایران را برای شرکت در انتخابات این دوره تشویق کرده اند. دلایل توجیه و تشویق این به اصطلاح جنبش "جمهوریخواهان" بی نهایت شمشز کننده و شرم آور است.

بی شک مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان همراهی انواع احزاب و جریانات فرصت طلب و اجبر شده را در زیر نظر خواهند گرفت و رسوایشان خواهند کرد. همراهی چنین جریاناتی با نمایش انتخابات رژیم ربطی به منافع مردم کردستان ندارد و برعکس نفرت و اعتراض عمومی از این نیروها برای کمک به سرپا ماندن رژیم و همراهی با حاکمیت را عمیقتر و گسترده تر خواهد کرد.

جنبش جمهوری خواهان در تلاش است به شوراها شهر و روستا تصویری مردمی بدهد. میخواد شوراها شهر و روستا به نوعی منفک و جدا از حاکمیت به تصویر بکشد و از آنها وجهه ی مردمی نشان دهد. تلاشی به غایت مشمئز کننده و شرم آور است. مردم کردستان تجربه شرکت در انتخابات شوراها شهر و روستا حداقل در شهرهای سقز، مهاباد، بوکان و میروان را دارند. تجربه ای که نشان از فساد نهادینه دارد. بیشتر اعضای شورای شهر سقز و مهاباد به دلیل اختلاس و زمین خواری پرونده فساد برایشان تشکیل شده است. تعدادی از آنها زندانی شده اند و تعدادی برکنار و یا مجبور به استعفا شده اند. در یک نظام فاسد که فقر و فلاکت در جامعه بیداد می کند انتظار تغییر و ایجاد توهم برای تغییر از طریق شوراها شهر و روستا پوچ و شعبده بازی سیاسی است. مردم کردستان توهمی به هیچ یک از مهره ها و افرادی که با تردستی برای رسمیت دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی تلاش می کنند، ندارند و چنین تلاش شرم آوری را از هیچ سازمان و شخصیت سیاسی قبول نخواهند کرد.

کردستان به طول حاکمیت رژیم اسلامی سنگر مقاومت و دفاع از دستاوردهای انقلاب ۵۷، سنگر آزادی و برابری بوده است و تا به امروز تمام تلاشهای حاکمیت برای به تمکین کشاندن مردم آزادیخواه به طور مداوم با شکست روبرو شده است. جمهوری اسلامی همیشه در ذهنیت مردم به عنوان یک نیروی اشغالگر که با زور توپ و تانک و مسلسل

آزادیها و حاکمیت مردم را سلب کرده، تصویر شده است. تلاش برای کشاندن چنین مردمی به پای صندوقهای رای به هر بهانه ای پوچ و ناممکن است. چنین تلاشی از طرف هر سازمان و جریانی نتیجه ای جز نفرت و انزجار بیشتر از آنها در پی نخواهد داشت. مردم در روزهای انتخابات نه فقط پای صندوق رای نمیروند که از هر امکانی برای عقب راندن جمهوری اسلامی و مدافعین شان در اپوزیسیون استفاده خواهند کرد.

۱۴ ژوئن ۲۰۲۱

آزادی و برابری

جامعه باید آزادی انسان را

تضمین کند، آزادی به معنی

آزادی از سرکوب و اختناق

سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد

اقتصادی، آزادی از اسارت فکری،

آزادی در تجربه ابعاد مختلف

زندگی انسانی، آزادی در

شکوفائی خلاقیت های بشری و

آزادی در تجربه ابعاد عظیم

عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری

انسانها باشد، برابری نه فقط به

معنی برابری در مقابل قانون بلکه

برابری در برخورداري از امکانات

و نعمات مادی و معنوی جامعه،

برابری در حرمت و ارزش همه

انسانها در پیشگاه جامعه.

از مقدمه بیانیه حقوق جهانشمول انسان

- مصوب حزب حکمتیست

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) انتخابات بی انتخابات!

از تحرک میلیونی در دی و آبان عقب است، و در مقایسه با اعتراضات هر روزه علیه نظام کاملاً بی ربط است. چگونه است که درست روز تعیین بالاترین مقام اجرایی نظام، آنهم تحت عنوان رای ملت، همه مردمان معترضی که روزی تظاهرات میکنند، روزی جلو موسسات دولتی جمع میکنند و روز دیگر در اعتصاب اند، ناگهان، در روزی که به اسم آنها سرنوشت سیاسی جامعه رقم میخورد، اعتراض و تجمع و تظاهرات و اعتصاب شان را باید تعطیل و به کنج تنهایی خانه های شان برگردند؟ سیاست ماندن در کنج تنهایی خانه، آنهم در فرصتی که توسط خود رژیم، از سر ناچاری، به اسم انتخابات، فراهم شده است، سیاستی به غایت منفعلانه و پاسیفیستی است. نمی شود حضور صندوق های رای در کنار خود را تحمل کرد که برای گرفتن "آری" به یک فردای جهنمی شبیه امروز رای جمع میکنند. نمی شو با وجود این درجه از فقر و نداری و محرومیت اجازه دهیم عده ای شارلاتان و جانی، محل زندگی و مدرسه و اداره و مساجد محلات را به مراکز کسب رای برای ادامه این جهنم به کار بگیرند.

زنان و مردان آزاده!

روز انتخابات باید صدای شما بلندتر از هر زمانی اعلام کند که عوامل رای جمع کن در محله های زندگی شما حق حضور ندارند. نظامی که ترس از شما را وارد کلان ترین طرح های سیاسی امنیتی اش کرده است، نباید روز انتخابات جرات افتابی شدن در محلات زندگی شما را داشته باشند. روز انتخابات، خزیدن در کنج خانه، توقف اعتراض علیه وضع موجود و تحویل محل زندگی به مراسم چی های نظام، شایسته شما در کردستان، و شایسته هیچ آزادیخواهی در این کشور نیست!

دفتر کردستان همه شما مردمان آزاده را به کنترل مناطق مسکونی و محلات زندگی در مقابل عوامل صندوق فرامیخواند.

دفتر کردستان از همه زنان و مردان آزادیخواه تقاضا دارد که مروجین و مبلغین ستادهای انتخاباتی را افشا و به حاشیه برانند و به عنوان شرکای چهار دهه حکومت خون و تباهی، تحقیر شوند و با فشار اجتماعی به عنوان شریک جرم نظام طرد شوند. مردم قدرت تبدیل صحنه های نمایش انتخابات را به صحنه نبرد و جدال اجتماعی در سطحی گسترده به وسعت ایران را دارند. چنین اعلام حضوری همراه با مردم سراسر ایران در کردستان کاملاً ممکن و ضروری است. این را باید تضمین کرد!

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۶ ژوئن ۲۰۲۱

گزینه های امنیتی نظام است. رساندن ریسک امنیتی به صفر، اگر به قیمت خانه نشینی تمام مردم در آن روز منتهی شود، برای رژیم اسلامی رد شدن از یک خطر جدی در بحرانی ترین شرایط حیات شان و از این زاویه برایشان یک موفقیت امنیتی در یک دوره خطرناک است. رژیم میدانند که مردمی که در طول دوره گذشته پشت سر هم در میدان بوده اند و از کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته و... هر روزه مشغول اعتراض به جهنم زندگی بوده اند، امکان بلندتر شدن صدای شان در روز انتخابات، یک امر کاملاً طبیعی و قابل پیش بینی است.

در چنین فضا و شرایطی اما، بخش اعظم احزاب و جریانات سیاسی در کمپ راست، سیاست تامین سکوت و به خانه فرستادن مردم در روز انتخابات را در پیش گرفته و برایش کمپین راه انداخته اند. این جریانات که در طول عمر جمهوری اسلامی به کرات پشت جناح های مختلف رفته و برای رسیدن به مقصد خویش در مقاطع مختلف به این نظام سواری داده اند، قصد جلوگیری از تبدیل روز انتخابات به روز اعتراضات را با توجیه پرهیز از نزدیکی به صندوق ها و "نه به جمهوری اسلامی" است. سیاست احزاب راست ایران، خواسته یا نخواست، تقویت رژیم در رسیدن به تامین یک روز آرام، بی دغدغه و خالی از ریسک، برای نظامی است که روزانه هدف و سیبل اعتراضات مردمی در چهار گوشه این جهنم است.

مردم مبارز کردستان!

در کردستان که از روز اولین انتخابات، اینها یک نه بزرگ از شما تحویل گرفتند، نگران طغیان و از دست دادن کنترل اوضاع اند. جمهوری اسلامی از تاریخی ترین دشمن خود در کردستان، بشدت وحشت دارد. میدانند که اسلام سیاسی در این منطقه، از روز اول بی ریشه و پایه بوده و در صورت شلوغی در مناطق مرکزی ایران، امکان خارج شدن این منطقه از کنترل نیروهای امنیتی و فراری داده شدن اسلامیون از کردستان، یک احتمال جدی است. به همین دلیل، برقراری یک حکومت نظامی اعلام نشده به هدف در خانه نگه داشتن مردم، یکی از اولین احتمالات است. ترس رژیم از کردستان یک ترس تاریخی و به قدمت عمر اوست.

مردم مبارز کردستان!

انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای رژیم اسلامی در حالی برگزار میشود که خود رژیم، به دنبال خیزش های میلیونی دی ماه و آبان ماه سالهای اخیر، انتظاری از شرکت مردم در مراسم تعیین رئیس جمهور نظام شان ندارد. نه فقط این، تمام شواهد دال بر وجود یک نگرانی عمیق اینها از تکرار خیزش های قبلی در فرصتی است که خود رژیم تدارک دیده است. نتیجتاً در این انتخابات، هدف اول رژیم، عبور آرام و بی دردسر از روز انتخابات است. نگرانی جدی اینها از روز انتخابات، طغیان مردم علیه کلیت نظام در یک شکل غیرقابل کنترل است. به همین دلیل، علیرغم تمام نمایشی که برای جلوه دادن جدی این مراسم به اجرا گذاشته اند، امر دور کردن نظام از تعرض مردم در روز انتخابات، مشغله اول و آخرشان است.

تلاش بر این است که کاندیداهای مطلقاً به هیچ صورتی وارد تقابل جدی با هم نشوند. تلاش می کنند مناظره ها از کانال کاملاً مطمئنی که باعث دامن زدن ایجاد شکاف در راس نظام شود را به کلی ببندند. مناظره ها کاملاً مهندسی شده است با این اوصاف فشار پایین جامعه آنچنان شدید است که حتی با این وجود رنگ خود را به این نمایشات می زند. ایجاد نوعی اغتشاش در اولین مناظره دال بر همین واقعیت است. اما این نمی تواند تمام صورت مسئله باشد بلکه در جامعه در سطحی بسیار وسیع تصمیم برای جارو کردن کل نظام با همه جوارحش موج می زند. خود حاکمیت بیشتر از هرکسی این وضعیت انفجاری را در برابر خود نه فقط احساس بلکه هر روزه در گوشه ای از جامعه آنرا در شکل اعتراضات کوچک و بزرگ تجربه می کند. به همین دلیل، تاکتیک اجرایی این مراسم، تماماً با اتکا بر نگرانی از خطر تعرض مردم طرح ریزی شده است. بر این مینا، برای مناطق مختلف کشور سیاست های مختلفی با اتکا بر سطح نگرانی امنیتی در پیش دارند. به همین دلیل، تعداد صندوق ها و مراکز رای، به قدرت کنترل نظام گره خورده است. برای تامین هر چه جدی تر تسلط و کنترل نظامی و امنیتی خود، در جاهایی به بهانه کرونا شمار صندوق ها و مراکز کمتری محدود میشود، در مناطقی هم، اصلاً از خیر تعیین مرکز رای گیری میگذرند، در جاهایی هم که تنفر و خصومت علیه نظام تاریخ و عمق بیشتری دارد و مردم احتمالاً با یا بدون حضور صندوق هم به میدان بیایند، به حکومت نظامی غیر رسمی تکیه میشود. در مناطقی مانند کردستان که نگران از دست دادن کنترل در صورت شلوغی در مرکز را دارند، ایجاد یک حکومت نظامی اعلام نشده، از احتمالی ترین

سیاست احزاب و جریانات راست سیاسی، نه فقط از تاریخ نه گفتن شما به این نظام، که حتی

انتخابات و انتخاب ما در کردستان

الویت رژیم نه کسب رای و مشروعیت، که عبور بی خطر از انتخابات است!

نگرانی مشترک جمهوری اسلامی، اصلاح طلبان و اپوزیسیون راست از "خطر" مردم!

تاکتیک مردم نمی تواند همان خانه نشینی جناح اصلاح طلب رژیم باشد!

کردستان می تواند نقش ویژه ای داشته باشد!

محمد فتاحی

۱۴ ژوئن ۲۰۲۱

گفته میشود رژیم اسلامی به دنبال رای مردم جهت کسب مشروعیت مجدد، برای سرپا نگذاشتن نظام خویش است. این ادعا واقعیت ندارد، چون رژیم اسلامی در موج های طوفانی مردمان عاصی از این جهنم را تجربه کرده است. دستگاههای امنیتی به این امر واقف اند که این مردم در یک تندپچی سرنگون شان خواهد کرد. مقطع انتخابات، از نظر دستگاههای امنیتی یکی از مقاطع میتواند باشد. به همین دلیل الویت رژیم در انتخابات، در پیش گرفتن مسیری است تا امکان بروز خطر طوفان توده ای را مسدود کند. این یعنی کم کردن از تعداد صندوق ها تا حد ممکن برای تامین کنترل بر آنهاست. بر این مبنا حتی حذف مناطقی از کشور به بهانه خطر سرایت کروناست. برقراری یک حکومت نظامی اعلام نشده در مناطقی خطرزایی که امکان تعرض مردمی بالاست، اقدام دیگری برای جلوگیری از خطر است. خارج از همه اینها، آماده باش تمام نیروهای مسلح و بسیج حداکثری نیروهای بسیج و لباس شخصی، جلوگیری از پراکندگی نیروهای امنیتی و تمرکز ویژه در مناطقی است که خطر شروع تعرض مردم بالاست.

یک انتخابات استثنایی

این انتخابات یکی از موارد استثنایی است که نظام احساس خطر جدی میکند. تعجیل اینها برای یک توافق فوری بر سر برجام در فاصله قبل از روز انتخابات در جهت ایجاد توهم در افشاری از جامعه و بالا بردن اعتماد به نفس نیروهای خود در این مقطع حساس، و از این طریق پائین آوردن احتمال طوفان توده ای در همین روز انتخابات است. برای اولین بار است که رژیم از خیر کسب مشروعیت و جمع آوری هر چه بیشتر رای میگردد، تا به هدف اصلی تر خود یعنی تامین امنیت خود در روز انتخابات برسد. اولین بار است که حتی صفوف اصلاح طلبان این مراسم را تحریم کرده اند. و اولین بار است که نگران تکرار طغیان های دی و آبان برای سرنگونی خویش است.

به همه این دلایل، نه تکرار کپی وار انتخابات های قبلی، که عبور آرام و نیم کلاج مراسم امروز واقعا تحمیلی، الویت اول و آخر تمام نظام و دستگاههای امنیتی است. اینها اگر میخواستند کل مراسم انتخابات را رسماً ملغاً اعلام میکردند، تا فرصتی برای تعرض توده

نهایتاً مشارکت در قدرت، برای همیشه سوخته است.

به دلیل این نگرانی ها، نه داغ نگاه داشتن تنور انتخابات که از سر گذراندن بی دردسر و تامین امنیت نظام و دوری از ریسک رو در رویی با مردم است. فرمایشات آقا را نباید مبنای تشخیص سیاست جمهوری اسلامی قرار داد. باید واقعیات پشت این فرمایشات را دید تا متوجه وضع واقعی رژیم و رابطه مردم به جان آمده و تشنه آزادی با حاکمیت شد. تا متوجه شد هر اس اینها از مردمی است که هر روزه برای مطالبه ای خیابان ها و میادین را به اشغال خود در می آورند و بعید نیست روز انتخابات صدای اعتراض خود را بلندتر و از این طریق، به جای تکرار اعتراضات پراکنده خویش، طغیان علیه وضع موجود را جانشین نظاره گری و خانه نشینی در روز انتخابات کنند.

چنین احتمالی حتی اگر از ضعیف ترین احتمالات باشد، به دلیل خطر مرگ نظام، نمی تواند پایه تعیین سیاست انتخاباتی، و از این زاویه، نمیتواند مبنای تعیین الویت اقدامات امنیتی نباشد. به همین دلیل، سیاست رژیم، برعکس ادعاهای احزاب راست، نه تقلا بی ثمر برای کشاندن مردم پای صندوق رای، که عبور از خطر و ریسک در روزهای انتخابات، و تمام کردن آرام آن و از سر گذراندن خطر بیداری و به پا خواستن آن غول خفته است. نظام تدارک اینکه در خیلی از مناطق به بهانه کرونا از استقرار صندوق رای صرف نظر کند را دیده است و رسماً انرا اعلام کرده است؛ آماده است تا

در صورت نیاز به حکومت نظامی اعلام نشده پناه ببرد و نهایتاً کاری کند که به قیمت خالی شدن خیابان ها هم که باشد، آن روز در آرامش بگذرد و رای گیری نیمه کلاج رد شود و برود. نگرانی جمهوری اسلامی تبدیل انتخابات به جدالی عمیقتر و گسترده تر با مردم است نه بی اعتبار شدن نمایش انتخابات و عدم مشروعیت! عدم مشروعیت نظام و جناح های آن در دیماه ۹۶ رسماً و با صدای رسا اعلام شد. دعوت نیروها، سازمانها و احزاب راست از مردم به خانه نشینی و اعلام عدم مشروعیت نظام نه فقط چهار سال از اوضاع ایران و رابطه مردم با جمهوری اسلامی عقب است که تلاشی است آگاهانه برای به عقب کشیدن این رابطه، تلاشی برای نجات نظام از تیغ تیز اعتراضات گسترده علیه آن است. تلاشی ارتجاعی در ظاهری ضد نظام!

سوالاتی که پیش آمده است؛

آیا مردم تشنه رهایی همراه جریاناتی که دوره هایی در کنار این نظام بوده یا مشغول داد و ستد و بند و بست برای شرکت این نظام بوده اند و یا همین امروز هم جناح اصلاح طلب همین نظام اند، با یک خانه نشینی "متین و موقر" و بی ضرر همراه کل جبهه راست و اصلاح طلبان فقط به یک رای خشک و خالی "نه" رضایت میدهند؟

آیا قرار است کارگر کمونیست، زندانی سابق، فعال کارگری اخراج شده، و کل طیف های

ای به مناسبت انتخابات، فراهم نشده و تعیین آرایش نظام بدون مراسم و در غیبت حضور صوری مردم، صورت بگیرد.

نگرانی مشترک اپوزیسیون راست، اصلاح طلبان و حاکمیت!

نگرانی و احساس خطر نظام در مقابل احتمال تعرض توده ای روز انتخابات و خطر از دست دادن کنترل بر اوضاع، نگرانی حاکمیت به تنهایی نیست. نگرانی اپوزیسیون راست و نیروهای اصلاح طلب زیر رهبری میرحسین و کرب و خاتمی و شرکای دیگرشان هم هست. اصلاح طلبان میدانند که سرنگونی نظام، پایان عمر اینها هم هست. طوفانی که نظام را با خود ببرد، در مرز خط قرمز اصلاح طلبانی که تمام عمر بخشی از نظام بوده اند، متوقف نخواهد شد. همین واقعیت اولین نگرانی جریانات راست در اپوزیسیون هم هست. اینها هم، مانند هر نیروی واقع بین سیاسی، علاقه ای به شروع پروسه سرنگونی خارج از کنترل خود ندارند. اینها میدانند که در داخل کشور، بویژه نزد توده هایی که مداوماً در میدان بوده اند، جایگاهی ندارند. نه فقط این بلکه میدانند در جامعه به هیچ پرچمی که آلترناتیو آنها را نمایندگی کند، در جامعه قابل رودیت نیست. بدتر از این، اینها شاهد خروج آلترناتیو شورایی و اداره شورایی جامعه هستند. لذا هر طغیان توده ای میتواند مهر این آلترناتیو را بر خود داشته و یا حداقل پلکانی برای سعود آلترناتیو شورایی خواهد شد. به همین دلیل، اینها هم دقیقاً مانند اصلاح طلبان حکومتی، نگران شروع پروسه یک سرنگونی انقلابی اند. ایدال کل جبهه راست در سیاست ایران، حذف کنترل شده لایت فقیه، دور از دخالت مستقیم توده ای، در جهت شکل دادن به یک حاکمیت با شرکت تمام نیروهای اپوزیسیون راست، همراه اصلاح طلبان و بقیه بقایای نظام، در همراهی با بخش های اصلی نیروهای مسلح سپاه و ارتش و وزارت اطلاعات و بقیه است. راست در سیاست ایران مطمئن است که هرگونه ورودی توسط مردم و طبقه کارگر به پروسه سرنگونی نظام، شانس آنها برای تغییرات از بالا و کنترل شده، و عبور نیم کلاج از ولی فقیه؛ و نه کل نظام، و

معارض به این نظام، همراه فایزه رفسنجانی و موسوی و کروبی و احمدی نژاد ها و شکنجه گران و بازجویان جناح اصلاح طلب، دسته جمعی یک تاکتیک خنثی و منفعل و پاسیو را اتخاذ می کنند؟ آیا کارگری که تا همین امروز با پرچم و افق حاکمیت شورایی در میدان اعتراض بوده است، آن روز را بی پرچم و بی ادعا و بی مطالبه میماند و خانه نشینی در کنج خانه را برمیگزیند؟ اگر شورا را باید زندگی کرد، آیا جا ندارد در روز انتخابات نظام پرچم آلترناتیو را بالا برد، خواهان حاکمیت شورایی شد و نمایندگان خویش برای آن مجلس کارگری را به جامعه معرفی کرد؟ آیا جا ندارد تمام تشکل های کارگری از کوچک و بزرگ، تمامی تشکل ها و نهادهای مردمی در سرتاسر کشور، به مناسبت انتخابات، به جای سکوت، صدای متحد خویش را بلند کرده و خواهان مجلس عدالت خواهانه کارگری و حکومت شورایی شوند؟ اگر روزهای انتخابات فرصتی برای مانور و گردآوری نیرو توسط رژیم است، اگر روزی برای انسجام بخشیدن به خود در مقابل طبقه کارگر و محرومان جامعه است، چرا همین کار و نقشه را فعالین و نهادها و تشکل های کارگری نقشه خود نکنند؟

چرا روز انتخابات باید میدان را دو دستی تحویل دسته جانپان و قاتلین مردم داده شود و بقیه هم در اوج به اختیاری پز دهند که در خانه مانده و "فهرمانی" به خرج داده اند؟ "روز انتخابات در خانه بمانید" سیاست مورد علاقه جمهوری اسلامی است نه سیاست مردمی که برای عقب راندن آن، برای پیشروی خود تا به زیر کشدن آن از هر فرصتی استفاده میکنند. نیروهایی که شعار "درخانه بمانید و به رژیم مشروعیت ندهید" را سر میدهند مانند رژیم از اعتراض رادیکال و گسترده طبقه کارگر و بازنشسته و معلم و دانشجو و زنان آزادیخواه علیه فقر، استبداد، آپارتاید جنسی و حاکمیت قرون وسطایی، از گسترش رادیکالیسم کارگری در جامعه هراس دارند. نباید اجازه داد این هراس پشت شعار "تحریم انتخابات"، "دراعتراض به انتخابات در خانه بمانید" و به نام همراهی با مردم مخفی شود.

در کردستان احزاب ناسیونالیست راست و چپ نیز با دعوت مردم به تحریم و بایکوت انتخابات، عملاً در کنار بخشی از اصلاح طلبان درون حکومتی برای جان سالم بدر بردن رژیم به میدان آمده اند.

مردم کردستان میتوانند نقش ایفا کنند!

شهر و روستاهای کردستان سالها عرصه یک دهه جنگ و مقاومت قهرمانانه و مملو از افتخار، در مقابل تحمیل نظام اسلامی به این مملکت بوده است. یک "نه" بزرگ و تاریخی به فرماندوم جمهوری اسلامی، اولین سیلی میلیونی مردم به این نظام بود. بعداز گذشت چهل سال از آن تاریخ و بعداز طی کردن مسیری طولانی در جنگ با این نظام، تحریم

بی سروصدای مراسم انتخاباتی، و خانه نشینی در کنج انزوا و بی عملی تجویز شده توسط جبهه راست اپوزیسیون و اصلاح طلبان رژیم، شایسته و برارنده مردم کردستان در تناسب قوای امروز نیست!

اگر تاریخ گذشته حاوی برگ های زرینی از نقش مردم کردستان در مقابل داعش شیعه است، در شرایط امروز، انتخاب مردم نمی تواند تکرار همان رای باشد. امروز و در تناسب قوای فعلی که نزدیک ترین های این نظام از آن دور شده اند، سوال این است که آیا نباید روز انتخابات، به عنوان کمترین کار، ورود صندوق به محل زندگی و مدارس و مساجد و مکان های محله را ممنوع کرد؟ نباید کاری کرد که رژیم از ترس تعرض شما از تعیین صندوق برای محله های شما صرفنظر کند؟ نمیشود عوامل مزدور صندوق چی را از محل فراری داد؟ نمیشود کاری متفاوت از تمام تاریخ گذشته در دستور گذاشت؟

رفقای کمونیست و سوسیالیست و جبهه چپگرایی باید این سوال را در مقابل خود قرار دهند که در مقایسه با سیاست پاسیو میرحسین و فائزه رفسنجانی و احمدی نژاد و بقیه جانپان دیروز نظام کدام تاکتیک اکتیو و یک قدم به جلو است؟ کدام تاکتیک متناسب تناسب قوای امروز و فعال است؟ آیا تمامی نهادهای مردمی در کردستان نباید در یک اقدام یکدست خواست یک حکومت شورایی، مردمی و عدالتخواهانه را بعنوان خواست مردم در روز انتخابات اعلام کنند؟

راست در سیاست ایران برای اداره جامعه قائل به وجود یک آلترناتیو در درون کشور نیست. این حق طبقاتی آنهاست، اما در حالیکه آلترناتیو شورایی و اداره شورایی جامعه یک مطالبه فراگیر در میان طبقه کارگر آگاه و توده های ستمدیده بازنشسته و معلم و پرستار و... است، جا ندارد در روزی که جامعه ایران به یک انتخاب فراخوان داده شده است، کارگران و مردم، پرچم مستقل خود را بالا گرفته و خواهان عدالت شورایی برای کل جامعه شوند و یکبار دیگر انتخاب خود را به جهانیان و سران حاکمیت اعلام کنند؟

در فضایی که حتی سران حاکمیت از عدم شرکت مردم اعتراف میکنند و حتی حزب میرحسین موسوی و کروبی و بقیه اصلاح طلبان حکومتی سیاست تحریم در پیش گرفته اند، در فضایی که نهادهای مستقل کارگری و نمایندگان کارگری رسماً و علناً از عدم شرکت در انتخابات میگویند و خود را برای اعتراض در روز انتخابات آماده میکنند، کردستان با سابقه پرریار خود در تقابل جدی با رژیم بر سر آزادی، رفاه و برابری، با نفوذ چپ و کمونیسم یکبار دیگر در جدال بر سر آزادی، رفاه و حکومت شورایی، میتواند نقشی جدی و تعیین کننده ایفا کند.

**در آسمان سیاست ایران،
یک شب در گشت و گذار
است؛ شب یک پرچم
کارگری، شب
عدالتخواهی شورایی برای
رهایی سیاسی اقتصادی و
اجتماعی.
امروز، آلترناتیو اداره
شورایی تنها بدیل حاضر در
صحنه سیاسی، با افق
عدالت خواهانه ویژه خود و
با نمایندگان شناخته شده
خود در قلب مراکز
کارگری است.
دفتر کردستان، تمام
آزادیخواهان و برابری
طلبان را فرا میخواند که
روز انتخابات، به تناسب
حضور و وزن این جنبش
اجتماعی نقش ایفا کنند!**

زنده باد انقلاب کارگری

کردستان امتحان خود را پس داده

است

آسو سهامی

طی همین مدت کمی که از مضحکه انتخاباتی و هیاهوی رژیم برای انتخابات ریاست جمهوری و سیرک شورای شهر میگذرد. رژیم با صرف هزینه های میلیاردی سعی بر گرم نگه داشتن تنور انتخابات دارد و تمامی تلاشش را برای فریب عده ای و کشاندن آنها به پای صندوقهای رای بکار گرفته است، اما انتخابات اینبار بی رونق ترین آن در طول تاریخ رژیم جمهوری اسلامی است. و البته کل حاکمیت به این واقعیت اذعان دارد و این موضوع چنان بزرگ و همه جانبه است که متوهم ترین های حکومت هم میدانند که مردم از ادیخواه نه تنها در این سیرک شرکت نمیکند، بلکه و بعلاوه از هر امکالی برای پایان عمر جمهوری اسلامی به نیروی خود استقاده میکنند. همین حقیقت پایان این پروسه و نجات از دست "انتخاب" ریاست جمهوری خود به پدیده و معضلی تبدیل شده است.

تاریخاً مردم کردستان به هیچ جناحی از حاکمیت توهم نداشته اند و عموماً رای دادن به این و آن مهره در کردستان بسیار کم بوده است. از همان روزهای اول به سر کار آمدن این حکومت جنایتکار، به آن یک "نه" بزرگ گفت و حتی در برابرش هم ایستاد و این مبارزه کماکان هنوز در جریان است. اما طی سالیان اخیر یک فاکتور تماماً عوض شده است و آن اینست که اکنون کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران با این حاکمت سر جنگ دارند. امروز نه تنها مردم کردستان که مردم زحمتکش سراسر ایران علیه این سیستم و قوانینش، علیه نابرابری، بی عدالتی و هر آنچه که از مغان جمهوری اسلامیست ایستاده اند. این تحول بطور سراسری به بزرگترین خطر در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفته است. در این هنگامه انتخابات، حاکمیت در سراسر ایران یک نه بزرگ گرفته است. اکنون کارگران و اقتشار پایین جامعه، زن و جوان، معلم و بازنشسته و وسیعاً و با صدای رسا اعلام میکنند که برابری، عدالت، آزادی، جامعه ای انسانی و مرفه را میخواهند.

مردم کردستان با مقاومتی به قدمت بیش از چهل سال در برابر یکی از هارترین حکومت های منطقه، چهل سال لشکرکشی، چهل سال سرکوب، زندان، اعدام، چهل سال تبلیغ و ترویج عقاید ارتجاعی و ضد انسانی، چهل سال تبعیض و شهروند درجه دو بودن، چهل سال بیکاری، اعتیاد، فقر در جنگی که هنوز پایان نیافته است، دست و پنجه نرم می کنند. وجود مقاومت مسلحانه و تحزب یافتگی مردم این منطقه و از همه مهمتر حضور و فعالیت کمونیست ها در طی این چهل سال وضعیت ویژه ای به این منطقه داده است و رژیم نتوانسته است یک ذره توهم را نسبت به خود در دل مردم ایجاد کند.

اگرچه مردم کردستان بند به بند تاریخ پر از کشتار این رژیم را می دانند و نسل به نسل این

تاریخ را نقل می کنند، اما شاید یادآوری آن در این هنگامه انتخابات بی ربط نباشد.

مرداد ماه هر سال برای مردم کردستان یادآور فرمان افسارگسیخته خمینی و حمله سپاه پاسداران و ارتش در سال ۵۸ است. به دنبال مصادره انقلاب ۵۷ از سوی جمهوری اسلامی، کردستان که در آن زمان همراه با دیگر نقاط ایران به دستاوردهای عظیمی دست یافته بود، به مهد کمونیسم و برابری طلبی بدل گشت و تلاش رژیم از طریق جریانات ارتجاعی حاضر (همچون جریان مکتب قران و احمد مفتی زاده، که بخشی از همان سلفی های امروزند) در صحنه کردستان برای مصادره این دستاوردها به جایی نرسید. لذا فرمان حمله سراسری به کردستان در ۲۸ مرداد صادر شد و تمامی شهرها و روستاهای کردستان شاهد یک جنگ نابرابر با حاکمیت جمهوری اسلامی بود. بنا به آمارهای غیر رسمی تاکنون بیش از ده هزار نفر به دست رژیم جمهوری اسلامی تنها در کردستان کشته شده اند که از این مجموع بیش از ۱۲۰۰ نفرشان، زندانیان بی دفاعی بودن که در دادگاه های فرمایشی به اعدام محکوم شدند.

مردم کردستان به خوبی قتل و عام های "خلخالی"، جلاد معروف حکومت اسلامی را به یاد دارند که بطور با فرمان خمینی و با کمک ارتش و سپاه برای کشتار انقلابیون به کردستان روانه شده بود.

خلخالی در مرحله اول در شهر پناه دستور اعدام ۱۲ نفر را در دادگاهی چند دقیقه ای صادر و سریعاً به اجرا درآورد. سپس هفت نفر دیگر را به پای جوخه اعدام فرستاد و بدین ترتیب موج اعدامها از پناه شروع میشود و به مریوان، سنندج، سقز، بوکان و مهاباد میرسد.

در مریوان حکم اعدام ۹ نفر، در سقز ۱۰ نفر از جوانان شهر و ۱۰ نفر از نظامیانی که در محل خدمت نبودند (مجموعاً ۲۰ نفر) را در یک روز تیرباران شدند. ۱۱ نفر از جوانان شهر سنندج را که بطرق مختلف و در مکانهای مجزا دستگیر کرده بودند روانه فرودگاه سنندج میکنند و در دادگاههای ۵ دقیقه ای آنها را به اعدام محکوم و حکم را اجرا میکنند.

اعدام های خلخالی در طی سالهای دهه شصت ادامه داشت و صدها نفر از مردم انقلابی کردستان به جوخه اعدام سپرده شدند و در گورستانهایی که به "لعنت آباد" نامگذاری شدند، دفن شدند و در این میان نباید فراموش کرد که بسیاری از زنان دستگیر شده قبل از اعدام مورد تجاوز جنسی قرار می گرفتند. (بنا بر قوانین اسلامی اگر دختری باکره اعدام شود در دنیای آخرت مورد بخشش قرار می گیرد)

جامعه کردستان نمی تواند کشتار مردم قارنا و قلاتان، در سال ۵۹ فراموش کنند، وقتی ملا حسنی یکی از مرتجعین محلی به همراه تعداد زیادی از پاسداران و با استفاده از دو دستگاه تانک به روستای قارنا در محور نرده به پیرانشهر یورش بردند و همه مردم روستا از کوچک و بزرگ را به رگبار بستند.

همزمان با این وقایع بنی صدر که آن هنگام عضو شورای انقلاب بود طی یک سخنرانی

تلاش میکند که وقایع را وارونه جلوه دهد. به خط و نشان کشیدن متوسل میشود. بنی صدر در انتهای سخنانش میگوید: "اگر کسی پیام صلح ما را نپذیرد پیام ما شمشیر و جنگ است".

طبقه کارگر و محروم کردستان و خصوصاً مردم سنندج سرکوب و کشتار شدید معترضان در کردستان در سال ۱۳۷۷، پس از دستگیری اوجالان را به درستی به یاد دارند.

به دنبال ربودن عبدالله اوجالان رهبر "پ ک ک" از سوی حکومت ترکیه، شهرهای کردستان شاهد اعتراض به این آدم ربایی بود، اما خیلی سریع این اعتراضات از خواست آزادی اوجالان به آزادی زندانیان سیاسی و علیه رژیم بدل گشت که مورد هجوم نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم قرار گرفت که در جریان آن علاوه بر کشته شدن تعدادی از معترضان، شمار زیادی نیز دستگیر، شکنجه و عده زیادی هم به حبسهای طولانی محکوم شدند.

در سرکوب و کشتار این دوره که در زمان استانداری عبدالله رمضانزاده و وزارت موسوی لاری در وزارت کشور و ریاست جمهوری محمد خاتمی روی داد، بنابر آمارهای غیررسمی حدود ۷۰ نفر در تجمعهای اعتراضی یا در بازداشتگاه به قتل رسیدند، علاوه بر آن حدود ۵۰ نفر که در خیابانهای سنندج به ضرب گلوله مستقیم کشته شدند، تعداد زیادی نیز در بازداشتگاهها و زیر شکنجه به قتل رسیدند و حکومت به جای تحویل اجساد به خانوادهها، برای زهر چشم گرفتن از مردم جنازهها را داخل شهر و زیر پلها یا اطراف شهر رها می کرد؛ مساله ای که هیچگاه به هیچ رسانه ای، حتی رسانه های خارج از کشور، راه پیدا نکرد.

از همه مهمتر اینکه رهبری حزب کارگران کردستان (پ ک ک) طی بیانیه ای به جای محکوم کردن این جنایات رژیم، اعتراضات مردم را بر علیه حکومت محکوم کرد و اعلام کرد این اعتراضات کار صهیونیستها و کلاً دولت اسرائیل بوده است.

جامعه کردستان هم اکنون نیز شاهد کشتار کولبران، کاروانچی ها، خشونت علیه زنان، اشاعه اعتیاد، فقر و فلاکت، بیکاری، اخراج سازی و هزاران بدبختی هستند که همه از وجود نحس رژیم جنایتکار اسلامی سرچشمه می گیرد.

اما در سطح سراسری نیز این رژیم کم جنایت نکرده است و بی انصافیست اگر فکر کنیم دیگر نقاط ایران از جنایت، سرکوب، زندان، اعدام، بیکاری، زن ستیزی، فقر، اعتیاد و هزاران بلا دیگری که حاصل چهل سال جنایت این رژیم سرمایه داری اسلامیست، مصون مانده اند.

انقلاب فرهنگی: اقدامی بود که به فرمان خمینی در سالهای ۱۳۵۹ با هدف پاکسازی استادان و دانشجویان انجام شد. انقلاب فرهنگی هدفش اسلامی سازی دانشگاهها و حذف مخالفان و روشنفکران و هواداران جریان های سیاسی بود که اغلب در دانشگاهها فعالیت می کردند، طی این وقایع به مدت سه سال دانشگاه تعطیل شده و صدها استاد دانشگاه و دانشجو اخراج و یا دستگیر شدند.

جنگ ایران و عراق: در طول این جنگ بیش از یک میلیون نفر از هر دو طرف کشته و زخمی

شدن و صد البته می توان میلیونها نفر آواره و بی خانمان شدند و یا اعضای بدن خود را از دست دادند.

کشتارهای دهه شصت: کشتارهای ۳۰ خرداد شصت یک هولوکاست اسلامی در ایران بود. کشتار وسیع زندانیان سیاسی و بخصوص کمونیستها و انقلابیون برای تثبیت ارتجاع اسلامی یک از هولناک ترین جنایات تاریخ چهل ساله گذاشته است. کشتار دسته جمعی و بدون محاکمه زندانیان همراه با حمله به سازمانهای سیاسی و خصوصاً سازمانهای چپ، حمله به تشکلات کارگری، دستگیری کارگران کمونیست، پاکسازی کامل مراکز کارگری از کارگران کمونیست و رهبران و فعالین با اتوریته، پاکسازی مراکز دانشگاهی و تحصیلی و آموزش و پرورش از کمونیستها و انقلابیون همراه با اعمال حمله به زنان و حاکم کردن اختناق سیاسی کامل یکی از تاریک ترین دوره سیاه در تاریخ سیاسی ایران است.

در سالهای بعد اعدامهای پنهانی و آشکار که شامل اعدام مخالفان سیاسی، معترضین، بهائیان کودکان و مردم عادی بوده اند که بنا به گزارشات رسمی عفو بین الملل روزانه حدود سه نفر اعدام شده اند یعنی هر هشت ساعت یک نفر. در سال پنجاه و نه: ۶۲۴ تن- از سال شصت تا شصت و چهار: ۱۴۷۹۴ اعدام، در سالهای شصت و پنج و شصت و شش: از ۱۴۵۶ تا ۱۶۷۱ اعدام، در سال شصت و هفت: ۴۴۸۴، از سال شصت و هفت تا هفتاد و هفت: ۶۷۸۳ اعدام، از سال هفتاد و هشت تا هشتاد و هفت: ۵۲۲۰ اعدام، از خرداد هشتاد و هشت تا تیر هشتاد و نه: ۱۵۲ اعدام، در سالهای نود و یک و نود و دو: ۸۱۴ اعدام (۱۶ تن کودک، ۱۹ تن زن، ۶۹۷ تن نیز اعدام به گونه گروهي)، در سال نود و سه: ۹۶۶ اعدام، در سال نود و چهار: ۱۴۷۱ اعدام، در سال نود و پنج: ۹۶۶ اعدام، در سال نود و شش (۲۰۱۷-۲۰۱۹): ۴۴۶ اعدام، در سال نود و هفت (۲۰۱۹-۲۰۱۸): ۲۳۶ اعدام، در سال نود و هشت (۲۰۲۰-۲۰۱۹): ۲۴۸ اعدام، کشته شده گان فقط اعتراضات آبان ۱۳۹۸: ۱۵۰۰ تن(در خیابان و زندان)، در سال نود و نه (۲۰۲۱-۲۰۲۰): ۲۷۶ اعدام

سنگسار؛ بر پایه گزارش روزنامه فرانسوی فیگارو، در تاریخ جمهوری اسلامی، ۱۵۰ (صد و پنجاه) حکم سنگسار، اجرا شده است

کشتار کارگران خاتون آباد، وقایع هجده تیر و حمله به کوی دانشگاه تهران که طی آن علاوه بر به رگیار بستن کارگران معترض خاتون آباد، دانشجویان را از پشت بام خوابگاه به پایین پرتاب می کردند و قتل‌های زنجیره‌ای، که طی آن هشتاد نفر از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی منتقد در داخل و خارج از ایران، در دولت محمد خاتمی به قتل رسیدند.

اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای، تجاوز جنسی، ازدواج اجباری، آزار و اذیت جنسی دختران و سرکوب زنان، بیکاری، اعتیاد را می توان به موارد بالا اضافه کرد

در سرتاسر تاریخ حاکمیت جمهوری اسلامی

یک روز بدون قتل و کشتار نخواهید یافت و اکنون جامعه در حال غلیان و جنب و جوش گسترده ایست، طبقه کارگر به درجات زیادی جایگاه مبارزاتی خود را پیدا کرده است و از همه مهمتر رژیم بیش از هر زمانی مشروعیت خود را در برابر جامعه از دست داده است و همچنین جناح های حکومتی و بورژوازی ایران به جان هم افتاده اند تا شاید بتوانند خود را از غضب و خشم مردم برهانند. ما روزانه شاهد ده ها اعتراض کارگری، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، دانشجو و دانش آموزان و سایر مردم محروم جامعه هستیم.

جو و فضای عمومی در سطح سراسر مبنی بر عدم شرکت در پروسه انتخابات رو به گسترش است و بر همین اعتبار ما شاهد سه سیاست در سطح جامعه هستیم،

سیاست اول ما کمونیستها { حزب حکمتیست (خطر رسمی) } که از چندین ماه قبل رو به جامعه اعلام کرده ایم که تنها عدم شرکت در انتخابات به خودی خود کافی نیست و باید دوران انتخابات را به روزهای اعتراض به حاکمیت تبدیل کنیم.

همین جا و در ادامه خط و جهت حزب مان خطاب به مردم کردستان باید گفت که روز انتخابات و این فضایی که ایجاد شده است میتواند به امکانی برای ابراز وجود کارگران و محرومان و مردم آزادیخواه تبدیل شود. همه بر سر انتخابات صحبت میکنند، ما بر روی انتخاب خودمان. انتخابی که در این سالها به اشکال مختلف بیان شده است. انتخاب ما کارگران و مردم آزادیخواه در کل ایران چیزی جز رفاه عمومی، برابری، آزادی و امنیت برای همه مردم نیست. اکنون زمان آن فرا رسیده است که ما هم پرچم خود، پرچم جامعه ای انسانی و برابر را برافرازیم و این انتخاب ما است.

لذا فضای شهرهای کردستان، فضای مراکز کارگری، تحصیلی، محلات شهرها نیز باید به فضای خواست و طرح مطالبات و انتخاب ما مردم آزادیخواه تبدیل شود. ما هم حق داریم و میتوانیم در میادین شهرها، در محلات، در مراکز کار و دانشگاه و مدرسه روی انتخاب خود صحبت کنیم و با بان رسا اعلام کنیم آزادی و برابری می خواهیم. اعلام کنیم که همه جناح ها و شاخه های حاکمیت در مقابل ما است و اعلام کنیم انتخابات بی انتخابات.

انتخاب ما جامعه ای انسانی، آزاد، مرفه و برابر است. آری ما باید از این فرجه نه تنها علیه انتخابات فرمایشی حاکمیت، نه تنها علیه کل جناحهای آن که بعلاوه در دفاع از حقوق انسانی خود، در دفاع از حرمت و شخصیت خود بپاخیزیم و مردم را حول مطالبات خود جمع کنیم.

سیاست دوم که از سوی جناح راست اپوزیسیون داخل و خارج ایران و احزاب ناسیونالیست کردی تبلیغ می شود و آنهم سیاست دیر به بازار آمده بایکوت انتخابات و در خانه ماندن است. این سیاست در حقیقت به زور به این طیف تحمیل شده است. اینها تاریخاً حول این و آن جناح مردم را دعوت به شرکت کرده اند. فضای عمومی جامعه و پیشروی

های مردم باعث شده که این جریانات هم بخاطر کسب اعتباری بالاخره مجبور شده اند چنین سیاستی در پیش بگیرند و سیاست حمایت خود در گذشته را تغییر دهند.

سیاست سوم که از سوی بخشی از حاکمیت و از جمله اصلاح طلبان حکومتی و جریانات مدافع آنها تبلیغ می شود و سعی دارد با ایجاد این توهم در میان جامعه که عدم شرکتشان در انتخابات به نفع رئیسی تمام خواهد شد، سعی دارد از این طریق، مردم را به پای صندوقهای رای بکشاند.

اکثریت جامعه کردستان یعنی طبقه کارگر و محرومان این جامعه به این واقعیت کاملاً واقفند که انتخابات شورای شهر و ریاست جمهوری هیچ ربطی به آنها ندارد و این انتصابات و این سیرک انتخاباتی تنها برای مشروعیت دادن به حاکمیت پر از جنایاتشان است، در سطح شورای شهر هم یک سری مزدور حکومتی و محلی کاندید شده اند تا برای چهار سال آینده بودجه و سرمایه شهرشان را بین خود تقسیم کنند و به ریش مردم متوجهی که به آنها رای داده اند بختند.

بسیار بجاست که طبقه کارگر کردستان به عنوان بخشی از کارگران در ایران با درک نقش و جایگاه طبقاتی خود به عنوان نیروی تاثیر گذار در تحولات آتی و تثبیت آلترناتیو طبقاتی اش به همراه دیگر اقشار محروم جامعه، این روزهای تبلیغات سیرک نامزدهای شورای شهر و رئیس جمهوری را به روزهای اعتراض به این رژیم و مزدوران نامزد شده تبدیل کند و ترس از آتش زدن صندوقهای انتخاباتی را در دل تک به تک این جانوران بکارد.

پ. ن: آمار کشته شده گان از سایت ویکی پدیا گرفته شده است.

طبقه کارگر، بر خلاف کلیه طبقات فرودست در تاریخ پیشین جامعه بشری، نمیتواند آزاد شود بی آنکه کل بشریت را آزاد کند.

از: یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

نینا

نشریه دفتر کردستان حزب
حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: وریا نقشبندی

Verya.naksh@gmail.com

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

فیسبوک حزب

[Facebook.com/HekmatistX](https://www.facebook.com/HekmatistX)

رادیو نینا

Radioneena.com

اینستاگرام رادیو نینا

[Instagram.com/radioneena/](https://www.instagram.com/radioneena/)

تماس با خرب

دبیر خانه: هساره ابراهیمی

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سایت آرشیو

آثار منصور حکمت

Hekma.public-archive.net

انتخاب مردم:

رفاه، آزادی، حکومت شورایی!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

Worker communist Party - Hekmatist

(Official Line)

hekmatist.com

نگرانی مشترک جمهوری اسلامی،

اصلاح طلبان و اپوزیسیون راست از

”فطر“ مردم است!

تاکتیک مردم نمی تواند همان فانه

نشینی جناح اصلاح طلب رژیم باشد!

کردستان می تواند در پس زدن

جمهوری اسلامی نقش ویژه ای داشته

باشد!

دفتر کردستان مزب، مردم کردستان

را به ایفای نقش شایسته خویش

فرامیخواند!